

مرد

تناقض ناسیونالیسم

● اریک آرتور بلر با نام مستعار جورج اورول (۱۹۰۳ – ۱۹۵۰) داستان‌نویس، روزنامه‌نگار، منتقد ادبی و شاعر انگلیسی بود. او را بیشتر برای دو رمان سرشناس و پرفروش، مزرعه حیوانات که در سال ۱۹۴۵ میلادی منتشر شد و در اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی به شهرت رسید و نیز رمان ۱۹۸۴ می‌شناسند. او همچنین با نقدهای پرشماری که بر کتاب‌ها می‌نوشت، بهترین وقایع‌نگار فرهنگ و ادب انگلیسی قرن شناخته می‌شود. او به‌عنوان منتقد ایدئولوژی و توتالیترایسم، در افشای جوهر نظام توتالیتر بسیار موفق بود. در این عرصه، در کنار فیلسوف سیاسی نامدار، هانا آرنست، شاید اورول از معدود کسانی باشد که در روشن‌کردن آذهان عمومی و به‌ویژه تصحیح نکرش روشنفکران جزم‌گرا نقش بسزایی ایفا کرده است. کتاب «درباره ناسیونالیسم» حدود ۷۰ سال پیش نگاشته شده است. اهمیت بازر این جستار اورول، در این است که او پدیده ناسیونالیسم را از زوایای منحصربه‌فرد و تاکنون ناشناخته، مورد بررسی و کاوش قرار داده است. گرچه در این نوشته نگاه اورول بیش از همه متوجه گرایش‌های ناسیونالیستی روشنفکران کشورش در بنبوجه جنگ دوم بوده، اما توضیح و تبیین هوشمندانه و مبتکرانه جلوه‌ها و جنبه‌های عام ناسیونالیسم از سوی او، آن را در شرایط امروز نیز به مطلبی به‌روز، تازه و زنده بدل کرده است. اما نگاه اورول به ناسیونالیسم در درجه نخست آن درک معمول است که در آن انسان‌ها همچون خشرات طبقه‌بندی شده و گروه‌های بزرگ میلیونی با برچسب «خوب» یا «بد» مشخص می‌شوند و در درجه بعد، آن عادتِ است که خود را به‌عنوان ملتی یگانه یا واحدی دیگر تعریف می‌کند، آن را فراسوی خوب می‌نماید و وظیفه دیگری هم جز تأمین منافع آن نمی‌شناسد. همه ناسیونالیست‌ها این توانایی را دارند تا در بازشناختن مشابهت‌های میان پدیده‌های مشابه عاجز بمانند. یک انگلیسی عضو حزب توری می‌تواند از حق تعیین سرنوشت در اروپا دفاع کند، اما همین حق را در دکت بی‌آنکه تناقض مربوطه را درنباید. همه کارها نه به اعتبار اینکه خوب یا بد هستند، بلکه همواره با این معیار ارزیابی می‌شوند که چه کسی آن را انجام می‌دهد. هیچ ستمی نظیر شکنجه، گروگانگیری، کار اجباری، کوچ اجباری، حبس بدون محاکمه، جمل، قتل، بمباران غیرنظامیان و… را نمی‌توان یافت که وقتی از جانب ما صورت می‌گیرد، رنگ اخلاقی به خود بگیرد. هر فرد ناسیونالیسم‌بار دارد که گذشته قابل تغییر است. او بخشی از وقت خود را در دنیایی خیالی به سر می‌برد که در آن، مسائل طوری رخ می‌دهند که باید رخ می‌دادند؛ مثلا خیال می‌کند که مأموریت آزمادی اسپانیا موفق بود یا انقلاب روسیه در سال ۱۹۱۸ سرکوب شده و به این سباق، او بخشی از همین دنیا می‌دوید که حتی ممکن است به کتاب‌های تاریخ هم راه یابد. در پسگفتار آرمین ناصحی، استاد جامعه‌شناسی با عنوان «قدرت به هر قیمت درباره بهبوداندیشیری ناسیونالیسم» مطرح می‌شود که موضوع عام در آثار جورج اورول، توتالیترایسم و رابطه فرد و کلکتیو است. دو اثر دیستوبیلی مشهور وی، «مزرعه حیوانات» (سال ۱۹۴۵) و «۱۹۸۴» (سال ۱۹۴۹)، به حکمرانی توتالیتر، به‌ویژه به مسئله سرکوب فرد توسط ساختارهای اقتدارگرا و تسلط نظام ضددموکراتیک بر جامعه پرداخته‌اند. در نگارش این کتاب‌ها، تجربه‌های تاریخی، یعنی ناسیونال‌سوسیالیسم و فاشیسم یک سو و کمونیسم شوروی از سوی دیگر، نقش آشکاری داشته‌اند. کتاب «مزرعه حیوانات» را می‌توان مانند اثری طنزآمیز خواند که در آن حتی جنبش ضد سرگوبیگران، باز به سبطیره خشن گروهی کوچک منجر می‌شود. برای جورج اورول سوسیالیست، این مسئله پیش از هر چیز به معنای کنج‌گرافتن و نظام شوروی بود؛ نظامی که در آن تلاش انقلابی برای محو تضادهای طبقاتی، خود طبقات جدیدی را پدید آورد که در آن، بعضی برابر‌تر از بعضی دیگر بودند. آنچه ذهن اورول را مشغول می‌کرد، انتقاد خودمحوری این‌گونه نظام‌های سرگوبگر بلکه جذابیت برای روشنفکران بود. همین نکته انگیزه اصلی او در نگارش «درباره ناسیونالیسم» بود که در همان سال انتشار «مزرعه حیوانات» با عنوان یادداشت‌هایی درباره ناسیونالیسم چاپ شد. اورول، ناسیونالیسم را چونان پدیده‌ای معرفی می‌کند که قیدوشرط و جایگزین نمی‌شناسد. تاکید او بر ضرورت تمایز دو مفهوم «میهن‌گرایی» و «ناسیونالیسم» با درنظرداشت همین نکته است، میهن‌گرا کسی است که گرچه در برابر شیوه هستی خویش احساس وظیفه می‌کند، اما آن را مطلق نمی‌بیند و سرشتی تدافعی («هم از نظر نظامی و هم از جنبه فرهنگی») به آن می‌دهد. میهن‌گرا، قصد اعمال قدرت بر دیگران ندارد، درحالی‌که برای ناسیونالیست‌ها، چنین کاری، نقش اساسی و حیاتی دارد. ادعای بی‌قیدوشرط اعتبار و حیثیت در وجود یک ناسیونالیست، نه در واقعیت بلکه عمدتا در منطق برتری‌جویی خود وی نهفته است. ناسیونالیسم چنان به بنیت متکی است که در برابر هرگونه کار آگاه‌گرانه مقاومت نشان می‌دهد؛ تا جایی که می‌توان گفت یک ناسیونالیست در هر زمینه‌ای مجاب‌شدنی است به‌جز در زمینه ناسیونالیسم.

جرج اورول <i>درباره ناسیونالیسم</i> (۱۹۴۵) اثر جورج اورول	
درباره ناسیونالیسم	
جرج اورول	
ترجمه: ابراهیم محجوبی	
ناشر: شهر هنر	
قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان	

دیوید گریبر، انسان‌شناس و نویسنده آثارشیست کتاب‌های پرفروش درباره بوروکراسی و اقتصاد مانند «شغل‌های مزخرف: یک نظریه» و «بدهی: ۵۰۰۰ سال اول» (۵۹سالگی درگذشت. سوم سپتامبر ۱۳ شهریور) نیکا دوبروفسکی، هنرمند و نویسنده و همسر گریبر در توییتر اعلام کرد که او دوم سپتامبر در بیمارستانی در ونیز درگذشته است. علت مرگ او هنوز معلوم نیست. گریبر علاوه بر شهرتش به‌خاطر نوشته‌هایی‌گزنده و نافذ درباره بوروکراسی، سیاست و سرمایه‌داری، یکی از چهره‌های برجسته جنبش اشغال وال استریت و استاد انسان‌شناسی در مدرسه اقتصادی لندن (ISE) بود. آخرین کتاب او با عنوان «سرآغاز همه‌چیز: تاریخی جدید از بشریت» که با دیوید ونگرو نوشت، پاییز ۲۰۲۱ منتشر خواهد شد. روتگر برگمن، مورخ هلندی، گریبر را «یکی از بزرگ‌ترین متفکران زمانه ما و نویسنده‌ای خارق‌العاده» نامید. اُن جونز، مقاله‌نویس‌گاردین، او را این‌گونه توصیف کرد: «یک غول روشنفکری، مملو از انسانیت، کسی که کارهایش باعث الهام و تشویق و تربیت خیلی‌ها شده است.» جان مک‌دائل، نماینده مجلس از حزب کارگر، نوشت: «من دیوید را یک دوست و متحد بسیار باارزش می‌دانستم. تحقیقات و نوشته‌های اوآورانداش تفکری بدیع و رویکردهایی خلاقانه در کنش سیاسی به روی ما گشود. همه ما عمیقاً دلتنگ او خواهیم بود.» تام پِن، ویراستار گریبر در انتشارات «پنگوئن رندوم هاوس»، گفت این نشر از شنیدن خبر مرگ او عمیقاً متأثر شده است و گریبر را «یک رادیکال واقعی و پیشگام در همه کارهایش» نامید. پِن گفت: «کارهای الهام‌بخش دیوید روش فهم مردم از جهان را تغییر شکل داد. در کتاب‌هایش کنج‌کاوی مدام و جست‌وجوگرانه و سرباززدن از پذیرش راه‌حل‌های ساده‌انگارانه به چشم می‌خورد و همه اینها در اوج تیزبینی و طنز. از همه اینها گذشته، توانایی منحصربه‌فرد او برای تصور دنیایی بهتر که از انسانیت عمیق و ماندگار او برمی‌آید، ما عمیقاً متخیریم که ناشر او بودیم و همگی دلتنگ او خواهیم بود؛ مهربانی‌اش، صمیمیتش، خردمندی‌اش و دوستی‌اش. فقدان او بی‌حدواندازه اما میراث او عظیم است. آثار او و روحش به حیات خود ادامه خواهد داد.»

گریبر در ۱۹۶۱ در نیویورک از پدر و مادری که فعال سیاسی بودند، زاده شد. پدرش در جنگ داخلی اسپانیا همراه بریگادهای بین‌المللی جنگید و مادرش یکی از اعضای اتحادیه زنان کارگر پوشاک بود. گریبر در نوجوانی به ترجمه هیرولگلیف مایایی مشغول شد و همین قضیه در ابتدای فعالیت دانشگاهی‌اش جلب توجه می‌کرد. پس از فارغ‌التحصین‌شناسی در کالج پرچیس در نیویورک و دانشگاه شیکاگو، برنده کمک‌هزینه تحصیلی معتبری شد و دو سال را به کار میدانی انسان‌شناسی در ماداگاسکار گذراند. در سال ۲۰۰۵ یک سال قبل از اینکه عضو هیئت علمی دانشگاه شود، دانشگاه ییل تصمیم گرفت به قرارداد او پایان دهد. گریبر فکر می‌کرد که این موضوع به‌خاطر

اندیشه‌ها

دیوید گریبر، انسان‌شناس، فعال سیاسی و متفکر آنارشیست آمریکایی، در ۵۹ سالگی درگذشت

علیه دولت و سرمایه



مواضع سیاسی‌اش است؛ بیش از چهارهزارو ۵۰۰ همکار و دانشجو دادخواستی را در حمایت از او امضا کردند و در نتیجه دانشگاه ییل به او پیشنهاد یک فرصت مطالعاتی یک‌ساله داد که او قبول کرد و برای کار در دانشگاه گلداسمیت قبل از پیوستن به مدرسه اقتصادی لندن به انگلستان رفت. او در سال ۲۰۱۵ به گاردین گفت: «حس می‌زنم که از دو جهت ضربه خوردم. یکی اینکه ظاهراً از کارم لذت بسیار زیادی می‌برم. به‌علاوه من از طبقه‌ای اشتباه هستم؛ از خانواده‌ای متعلق به طبقه کارگر می‌آیم». کتاب او با عنوان «بدهی: ۵۰۰۰ سال اول» که در سال ۲۰۱۱ منتشر شد، او را به شهرت رساند. در این کتاب، گریبر خشونت پنهان در روابط اجتماعی مبتنی بر پول را بررسی کرد و خواهان رفع بدهی‌های دولت‌ها و مصرف‌کنندگان شد. این کتاب به بحث در میان منتقدان موافق و مخالف دامن زد و درعین‌حال فروشی بالا داشت و همه از آن تعریف کردند. از توماس پیکتی تا راسل برند.

سپس در سال ۲۰۱۳ کتاب «پروژه دموکراسی، یک تاریخ، یک بحران، یک جنبش» را منتشر کرد که درباره فعالیتش در جنبش تسخیر وال‌استریت بود و بعد هم در سال ۲۰۱۵، کتاب «اتوپای قواعد: درباره تکنولوژی، حماقت و لذات پنهان بوروکراسی» را منتشر کرد. در سال ۲۰۱۳ مقاله‌ای نوشت با عنوان «درباره پدیده شغل‌های مزخرف» که بعدها منجر به شکل‌گیری کتاب «شغل‌های مزخرف: یک نظریه» در سال ۲۰۱۸ شد، کتابی که در آن استدلال می‌کند بیشتر شغل‌های یقه‌سفید بی‌معنی‌اند و پیشرفت‌های تکنولوژیک باعث شده مردم بیشتر کار کنند نه کمتر. او در سال ۲۰۱۵ به گاردین گفت: «بخش‌های عظیمی از مردم، در اروپا و به‌ویژه در آمریکای شمالی، در سراسر زندگی کاری‌شان در حال انجام وظایفی هستند که به نظرشان غیرضروری است. آسیب اخلاقی و روحی ناشی از این وضعیت عمیق است. زخمی بر روح جمعی ماست. عملاً هنوز هیچ‌کس دربارۀ آن صحبت نمی‌کند». او حتی اذعان کرد که کار خود او می‌تواند بی‌معنی باشد: «هیچ معیار عینی‌ای برای ارزش اجتماعی نداریم.»

مبانی یک دانش ناموجود

نظرش انسان‌شناسی در موقعیت خوبی برای کمک قرار دارد. نه فقط بدین خاطر که انسان‌شناسان به جای جامعه‌شناسان یا مورخان، اکثر اجتماعات واقعا موجود خودگردان و اقتصادی واقعا موجود غیربازاری را در جهان مورد تحقیق و بررسی قرار داده‌اند بلکه همچنین بدین سبب که عمل مردم‌نگاری لاقال چیزی شبیه به یک الگو، ولو الگویی ناقص و ابتدایی، از این امر به دست می‌دهد که چگونه کنش فکری انقلابی غیرپشتاب‌رور می‌تواند کارساز باشد. گریبر معتقد است که نظریه اجتماعی می‌تواند خودش را ازطریق نوعی فرایند دموکراتیک مستقیم از نو صورت‌بندی کند: «چنین پروژه‌ای روافع باید دو مؤلفه داشته باشد: یکسـی مردم‌نگارانه و دیگری اتوپایی که در گفت‌وگوی دائم با همدیگر معلق مانده‌اند». یکی از نکات قابل‌تأملی که گریبر طرح می‌کند، این است که تصور سنتی آنارشیستی از رویارویی خشونت‌آمیز با دولت را به چالش می‌کشد. او پروژه تحصیلات تکمیلی خود را با فرهنگ‌های قبیله‌ای در ماداگاسکار از جمله «**تسیمبهتی** در شمال غربی این کشور انجام داد. تسیمبهتی‌ها، هرگونه اقتدار دولتی را رد می‌کنند و جامعه خود را برپاس اصولی برابری طلبانه سازمان می‌دهند و بدین‌ترتیب توانسته‌اند خودمختاری و فرهنگ خود را برای ده‌ها تا به امروز ادامه دهند، نه با مقابله با دولت، بلکه با نوعی «گریز»: آنها آنارشیست‌های شمال غرب ماداگاسکار هستند و توانسته‌اند آوازه خود را در مقام استاندار گریز همچنان حفظ کنند؛ در دوران استعمار فرانسه، مدیران کلایه می‌کردند که می‌توانستند نمایندگان را برای مذاکره به خصوص تقسیم کار برایش احداث جاده در نزدیکی یکی از روستاهای تسیمبهتی بفرستند، با ریش‌سفیدانی مذاکره کنند که ظاهراً با نمایندگان هم‌دستان و همراه بودند و تنها یک هفته بعد با تجهیزات بارگزرند و درایند فقط رنج‌های بیشتری تولید خواهند کرد» (ص ۹۱)، ۹- یک یا چند نظریه در باب از خودبیگانگی.

به زعم گریبر هر نظریه اجتماعی آنارشیستی باید به نحوی خودآگاه هر ردی از پیش‌تازآوری را بزباد: «نقش روشنفکران یقیناً شکل‌دهی سرآمدانی نیست که می‌توانند به تحلیلهای راهبردی صحیح دست یابند

و آن‌گاه توده‌های را به تبعیت وادارند. اما نقش روشنفکران این نیست، پس چیست؟». این پرسش یکی از دلایلی است که گریبر نام این رساله را «پاره‌های انسان‌شناسی آنارشیستی» گذاشته است زیرا حوزه‌ای است که به

پاره‌های انسان‌شناسی آنارشیستی <i>پاره‌های انسان‌شناسی آنارشیستی</i> (۲۰۰۴) اثر دیوید گریبر	
پاره‌های انسان‌شناسی آنارشیستی	
دیوید گریبر	
ترجمه: رضا اسکندری، مهرداد امامی، هومن کاسبی	
ناشر: خرد سرخ	
قیمت: ۲۳۰۰۰ تومان	

است. آنچه واقعا تغییر کرده شمار مشاغل دفتری، اداری و مدیریتی است که به نظر می‌رسد به نسبت تعداد کل کارگران در قرن پیش سه برابر افزایش یافته است. درست اینجاست که پای مشاغل بیهوده و بی‌فایده وسط می‌آید» (جهانی بدون شغل‌های مزخرف، گفت‌وگو با دیوید گریبر، ترجمه نیما عیسی‌پور، روزنامه «شرق»، شماره ۳۲۹۳). از دیدگاه گریبر تقریباً همه این مشاغل مزخرف را می‌توان حذف کرد. افرادی که در مشاغل مزخرف مشغول به کار هستند اغلب در خفا معتقدند اگر شغلشان (یا حتی در مواردی کل صنعت مربوطه) نیست و نابود شود، هیچ اتفاق خاصی رخ نخواهد داد یا شاید حتی بشود گفت، با حذف مثلا بازاربازهای تلفنی، لابی‌گرها یا بسیاری از مؤسسه‌های حقوقی، جهان به مکان بهتری برای زندگی بدل خواهد شد. تازه از نظر او این همه ماجرا نیست: همه آنهاهایی را در نظر بگیرد که سخت کار می‌کنند و در خدمت همین مشاغل مزخرف هستند، ساختمان‌های اداری‌شان را نظافت می‌کنند، حافظ امنیتشان هستند، آنان را از آفات و جانوران مودی دور نگاه می‌دارند یا به مراقبت از افرادی مبادرت می‌ورزند که به علت کار سخت و جان‌فرسا روی هیچ و بوج و انواع و اقسام آسیب‌های روان‌شناختی و اجتماعی دچار شده‌اند. گریبر تردید ندارد که می‌شود به‌راحتی کاری را که انجام می‌شود نصف کرد و این چیزی است که آثار مثبت عظیمی روی همه‌چیز خواهد داشت؛ از هنر تا فرهنگ و تغییرات آب‌وهوا.

گریبر که از نوجوانی آنارشیست بود، حامی جنبش آزادی کردها و «تجربه دموکراتیک چشمگیری» بود که او توانست در رزاول، منطقه خودمختار در سوریه ببیند. او در اواخر دهه ۱۹۹۰ به‌شدت درگیر فعالیت سیاسی شد. گریبر شخصیتی محوری در جنبش تسخیر وال‌استریت در سال ۲۰۱۱ بود، هرچند پذیرفت شعار «ما ۹۹ درصد هستیم» ابداع او بوده است، شعاری که به‌خاطر آن بارها تحسین شد. او نوشت: «من اول پیشنهاد دادم که خودمان را ۹۹ درصد بنامیم. سپس دو نفر از جنبش خشمگینان اسپانیا و یک آنارشیست یونانی کلمه «ما» را اضافه کردند و بعدتر یکی از فعالان قدیمی ضد جنگ (عضو گروه مستقل «غذا و نه بمب») یک «هستیم» به آن اضافه کرد. آن وقت می‌گویند با کار جمعی نمی‌توان چیزی ارز‌نمندان ایجاد کرد! ما نام‌های آنها را ذکر کردیم، اما با توجه به اینکه اطلاعات پلیس دنبال سازمان‌دهندگان اولیه جنبش تسخیر وال‌استریت بود، شاید بهتر بود این کار را نمی‌کردم». میراث فلسفی و سیاسی گریبر به‌عنوان یک پژوهشگر، روشنفکر عرصه عمومی و مبارزی مادام‌العمر در راه عدالت اجتماعی که نظری عمیق بر فضای فکری قرن حاضر معاصر گذاشت، هنوز آن‌چنان که باید و شاید بررسی نشده است. با وجود این، امید به تغییر در وضعیت و ساختار نابرابر جهان یکی از مهم‌ترین میراثی است که او برای آیندگان به‌جا گذاشته است.

منبع:گاردین

مرد

فرازوفرو داعش

● خاستگاه داعش کجاست؟ هبرانش چه کسانی بودند؟ چه اهدافی در سر داشتند؟ چه پیام‌هایی برای منطقه و جهان داشتند؟ زمینه‌های ظهور داعش چه بود و در چه بستری رشد کردند؟ آیا می‌توان از شکل‌گیری چنین سازمان‌ها و گروه‌هایی در آینده جلوگیری کرد؟ این پرسش‌ها همواره در ذهن افرادی که نامی از داعش شنیده‌اند، مطرح شده است. با اینکه امروز دیگر داعش قدرتی ندارد، این سؤالات و ده‌ها سؤال دیگر همچنان ذهن بسیاری از کارولین کتون که به‌تازگی با ترجمه پریسا صیادی ازسوی نشر ققنوس منتشر و راهی بازار نشر شده است، تلاش می‌کند به این پرسش‌ها پاسخ دهد. نسخه اصلی این کتاب سال ۲۰۱۷ منتشر شده و ترجمه آن، هفتادوششمین عنوان از «مجموعه تاریخ جهان» این انتشارات است. کتاب‌های «مجموعه تاریخ جهان» برای عرضه چشم‌اندازی گسترده و ژرف از سیر تاریخ منتشر می‌شوند. این مجموعه زمینه‌های فرهنگی رخدادهای تاریخی، اندیشه‌های سیاسی- فرهنگی و فلسفه‌های تأثیرگذار را در گذر تمدن بین‌النهرین، مصر باستان، یونان، روم، رنوای قرون وسطی و… معرفی می‌کند. داعش تهدید بزرگی بود که با سرعتی غیرمنظره گسترش یافت، حکومت تشکیل داد و با هراس‌افکنی و کشتار مسلمانان و غیرمسلمانان، اهدافش را پیش برد؛ اما این حکومت تروریستی با همان سرعتی که ظهور کرده بود، سقوط کرد. درواقع این گروه تروریستی مخوف و مرموز که کمابیش به یک اندازه نزد مسلمانان و غیرمسلمانان مغرور و هول‌انگیز بود، با همکاری همه مخالفان از میان برداشته شد و جهان نفسی از سر آسودگی کشید. نویسنده کتاب «ظهور داعش» ابتدا پیشینه کوتاهی از شکل‌گیری ریشه‌های داعش را مطرح کرده و سپس به تعریف تروریسم در جهان پرداخته است. او با پشت‌سرگذاشتن این مقدمات، فصل اول کتاب خود را آغاز می‌کند. به‌این‌ترتیب اولین فصل کتاب درباره بران‌لاند، تروریست‌های عربستان و خاندان آل‌سعود است؛ چون کارولین کتون معتقد است ماجرای ظهور داعش به سال‌ها قبل در عربستان برمی‌گردد، سال ۱۹۵۷، زمانی که هفتمین پسر محمد بن‌عوض بن‌لادن در عربستان سعودی به دنیا آمد. رویدادهای مهم قبل و بعد از ظهور داعش، پیشگفتار؛ خاستگاه داعش، بران‌لاند، زرقاوی و القاعده عراق، مصری و تشکیل دولت اسلامی، ابوبکر بغدادی، سوریه، موصل و تشکیل خلافت، خلافت و آمدن آخرالزمان، تأثیرات ویرانگر داعش، سخن پایانی؛ داعش در سراسر جهان عناوین اصلی این‌کتاب هستند. پس از این بخش‌ها هم سه بخش یادداشت‌ها، برای مطالعه بیشتر و نمایه درج شده‌اند. کمی پس از اینکه ابوبکر بغدادی در سال ۲۰۱۰ در دولت اسلامی به قدرت رسید، سوری‌ها بار دیگر علیه بشار اسد دست به اعتراض زدند. پس از اینکه ۱۵ دانش‌آموز به جرم شعارنویسی روی دیوار مدرسه دستگیر شدند، اعتراض‌ها شروع شد. جامعه از نحوه برخورد با این دانش‌آموزان برآشفته. آنها با تهدید پلیس عقب نشستند و به خیابان‌ها آمدند و تظاهرات کردند. کار به خشونت کشید و معترضان در سوریه خواستار کناره‌گیری دولت از قدرت شدند و فشارهای بین‌المللی بر او افزایش یافت. همان‌طور که ناآرامی‌ها به سمت جنگ داخلی پیش می‌رفت، معترضان از او خواستند از مداخله کش بیرون. بشار اسد در مقابل این تقاضا، صدها زندانی را –که بسیاری از آنها جهادی بودند- آزاد کرد؛ ازاین‌رو تظاهرات به خشونت کشیده شد و ورود پلیس برای خاتمه‌دادن به این قاتله ضروری. او همواره می‌گفت تروریست‌های خارجی پشت جنگ داخلی در این کشور هستند. با مداخله دولت برای پایان‌دادن به اعتراضات، دولت اسلامی گروهی را برای بهره‌گیری از این آشوب‌ها به سوریه فرستاد و در آنجا مستقر کرد. بغدادی فردی به نام محمد جولانی را برای نظارت بر امور و تشکیل شاخه دولت اسلامی به سوریه فرستاد. این گروه جدید خود را جبهه النصره نامیدند. ریشه تشکیل داعش را باید در گروه تروریستی القاعده عراق و سال ۲۰۰۴ میلادی جست‌وجو کرد؛ زمانی‌که ابومصعب زرقاوی به خاطر سلسله عملیات‌های انتحاری، این گروه جهادی را پایه‌گذاری کرد و نام القاعده عراق را روی آن گذاشت. این گروه چند سال بعد با نام دولت اسلامی عراق و شام یا همان داعش شناخته شد؛ اما به این گروه در کشورهای غربی با لقب دولت اسلامی عراق و سوریه اشاره می‌شد. مهم‌ترین اولویت داعش، آن‌گونه که در ظاهر امر به نظر می‌رسد، گسترش شریعت مدنظر رهبران این گروه در جهان است؛ به این معنی که باید برای برپایی جامعه‌ای جهانی شبیه آنچه در خاورمیانه قرون گذشته وجود داشت، تلاش کرد. به‌این‌ترتیب از نظر داعش باید تمام جهان به شرایط صدر اسلام برگردد و همه مردم، پیرو تفسیر آنها از اسلام باشند. ایجاد ترور و وحشت هم ابزار اصلی این گروه برای پیاده‌کردن سیاست‌های رهبرانش بوده است. اعدام در ملاعام یا کشتارهای خشونت‌آمیز و سلاخی انسان‌ها ازجمله نمونه‌های بارز این ابزار مهم بوده است.

ظهور داعش <i>The Day of 100k</i> اثر دیوید گریبر	
ظهور داعش	
کارولین کتون	
ترجمه: پریسا صیادی	
ناشر: ققنوس	
قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان	